

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تحولات سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بین خانواده‌های
ایرانی از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون: توافق، تفاوت یا شکاف ارزشی؟
(مطالعه موردی: خانواده‌های ساکن شهر اراک)

محمد امین باقری^۱، سیف‌الله سیف‌اللهی^۲، مظفرالدین شهبازی^۳، علی باصری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

چکیده:

این مقاله به بررسی وضعیت سبک زندگی ایرانی اسلامی در بین خانواده‌های ایرانی و روند تغییرات آن از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون و تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر این تغییرات می‌پردازد. چارچوب نظری با الهام از نظریه‌های ماکس وبر، پیر بوردیو، آنتونی گیدنز و رونالد اینگلهارت، تدوین و بر اساس آن، چهار عامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تکرر منابع جامعه‌پذیری و تحرک جغرافیایی به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند. پژوهش به روش پیمایشی و با تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه خانواده‌های ساکن شهر اراک در سال ۱۳۹۸ بوده‌اند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۴۴۰ خانواده بوده که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. پردازش داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری در نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج آزمون T بیانگر تفاوت معنادار میانگین امتیازات سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰ در سطح تفاوت ارزشی می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نیز رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی (-۰/۶۴۹)، میزان مصرف رسانه (-۰/۷۳۶)، میزان تحرک جغرافیایی (-۰/۷۰۷) و تکرر عوامل جامعه‌پذیری (-۰/۶۷۰) و متغیر وابسته (سبک زندگی ایرانی اسلامی) را نشان می‌دهد به طوری که با افزایش مقدار آن‌ها، میزان اهمیت سبک زندگی ایرانی، اسلامی در بین خانواده‌ها کاهش می‌یابد.

واژگان اصلی: سبک زندگی ایرانی-اسلامی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تکرر منابع جامعه‌پذیری و تحرک جغرافیایی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار و عضو هیئت علمی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Rped_almizan@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یکی از عینی‌ترین شاخص‌هایی که درحوزه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، مفهوم سبک زندگی است. مطالعه و بررسی علمی سبک زندگی راهی است برای شناخت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد و خانواده‌ها که در تحلیل‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد.

سبک زندگی در تعامل با هویت فردی و اجتماعی انسان، شکل می‌گیرد و به عنوان یک ارزش اجتماعی از طریق فرآیند جامعه‌پذیری از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود. اگرچه تغییر تدریجی سبک زندگی امری مقبول و پذیرفته شده است، اما تغییرات شدید و مقطعی آن می‌تواند به شکاف و گسست بین نسل‌ها و نوعی بحران هویت در جامعه منجر گردد.

تغییرات ارزشی در دوره معاصر، بر اثر تحولات سریع و عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی، سرعت و وسعت گسترده‌ای پیدا کرده است. جامعه‌ی ایران نیز در طول بیش از نیم قرن گذشته تحت تاثیر برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی، اجتماعی، شاهد تغییرات گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. وقوع انقلاب اسلامی نقطه‌ی عطفی در زمینه‌ی این تغییرات بوده است. پس از پیروزی و تثبیت انقلاب، تلاش گسترده‌ای برای ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های برآمده از آن صورت گرفت تا همه اعضای جامعه با محوریت و تمرکز بر نهاد خانواده، حداکثر گرایش و وفاداری را نسبت به ارزش‌ها و به ویژه سبک زندگی جدید (ایرانی-اسلامی) پیدا کنند. در حالی که علیرغم تلاش‌های مذکور به نظر می‌رسد که سبک زندگی ایرانی-اسلامی حاکم بر خانواده‌های نسل انقلاب، به تدریج دچار دگرگونی و تغییر شده است، به طوری که به نظر می‌رسد این سبک زندگی در میان خانواده‌های نسل کنونی به چالش کشیده شده و نگرش و گرایش به آن تغییر کرده است.

هم‌اکنون با توجه به تغییر و تحولات مذکور، مطالعه و بررسی وضعیت سبک زندگی در جامعه‌ی امروز ایران و سیر تحول آن در بین خانواده‌ها به عنوان نهادی که اولین پایه‌های ارزشی افراد را تشکیل داده و نقش اساسی در انتقال ارزش‌ها به نسل بعد را به عهده دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تاثیر مهم سبک زندگی بر تغییر و تحولات اجتماعی از جمله تاثیر آن بر شکل‌گیری هنجارها، نگرش‌ها، کنش‌های اجتماعی، همبستگی و وفاق اجتماعی نیز، بر اهمیت و ضرورت موضوع این پژوهش می‌افزاید. انتظار می‌رود نتایج پژوهش حاضر بتواند راهکارها و پیشنهادهای در اختیار نهادها و سازمان‌های مرتبط با حوزه خانواده و جامعه و

مراکز علمی قرار دهد تا در برنامه ریزی های خود در راستای انتقال ارزش های اجتماعی - فرهنگی و جامعه پذیر کردن نسل بعدی، پیش بینی و مدیریت تحولات اجتماعی و سیاسی احتمالی در آینده و پیشگیری و کنترل آسیب های اجتماعی از آن استفاده نمایند.

۱- اهداف و پرسش های تحقیق

پژوهش حاضر به مطالعه و بررسی وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های شهر اراک و روند تغییرات آن از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون و تحلیل و تبیین جامعه شناختی عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر این تغییرات می پردازد. بنابراین اهداف این پژوهش عبارتند از:

شناخت وضعیت موجود سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های دهه ی ۶۰ (نسل انقلاب و جنگ) و دهه ی ۹۰ (نسل جوان) در شهر اراک

شناخت علل و عوامل دگرگونی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های ایرانی از سال ۱۳۷۵ تاکنون

ارائه راهکارها و پیشنهادهای ممکن در راستای پیشگیری از تغییرات شدید سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های ایرانی

لذا، این پژوهش حول این پرسش ها سازمان یافته است که:

۱- وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های دهه ی ۶۰ (دوره ی انقلاب و جنگ) و خانواده های دهه ی ۹۰ (نسل جوان) شهر اراک چگونه است؟

۲- آیا سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های اراک در خانواده های دهه ی ۹۰ نسبت به خانواده های دهه ی ۶۰ تغییر کرده است؟

۳- عوامل موثر بر دگرگونی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های ایرانی از سال ۱۳۵۷ تا کنون کدامند؟

۲- پیشینه ی تحقیق

در بررسی تحقیقات صورت گرفته، تحقیقی که به مطالعه و بررسی وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده های ایرانی و روند تغییرات آن از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون و تحلیل و تبیین جامعه شناختی عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر این تغییرات، پرداخته

باشد، ملاحظه نشد. اما تحقیقاتی مرتبط با موضوع سبک زندگی با عناوین و یافته‌های زیر انجام گرفته است.

۱-۲- مقالات

عاطفه عباسی و علی جعفری (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این است که کنش‌های سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی (الگوی مصرف، نوع پوشش، اوقات فراغت، مدیریت بدن و روابط میان فردی) تأثیر گذار است.

خدیجه حیدری، محمدتقی حیدری و مهدی قدیمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود، تأثیر قدرت نرم شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای بر الگوبرداری اجتماعی و تغییر سبک زندگی در بین زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر زنجان را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، استفاده از ماهواره تأثیر معناداری بر متغیر الگوبرداری اجتماعی داشته است.

محمد مهدی فرقانی و ربابه مهاجری (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و تغییر سبک زندگی جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بین مولفه‌های سبک زندگی با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه رابطه وجود دارد به طوری که با افزایش ساعات استفاده از این شبکه‌ها تغییر در هر یک از مولفه‌های سبک زندگی نیز بیشتر می‌شود.

عالیه رضاییان و افسانه ادریسی (۱۳۹۷) تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلگرام، اینستاگرام و توئیتر) بر سبک زندگی نسل چهارم (دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر تهران) را مطالعه و بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که بین میزان استفاده و نوع شبکه‌های اجتماعی مجازی و ابعاد سبک زندگی همبستگی مستقیمی وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، گرایش به سبک زندگی مدرن نیز، بالاتر می‌رود.

حامد شیری (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر جهانی شدن فرهنگی بر سبک زندگی نسل والدین و فرزندان در بین فرزندان ۱۸ تا ۳۰ سال و نسل والدین آن‌ها در شهر سمنان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تبعیت از سبک زندگی جهانی در بین نسل فرزندان، طبقات بالا و افراد تحصیلکرده بیشتر از نسل والدین، طبقات پایین و افراد با تحصیلات پایین‌تر است.

اکرم مولوی زاده، عالیه شکر بیگی و غلامرضا خوشنفر (۱۳۹۶)، رابطه‌ی سبک زندگی

(ایرانی - اسلامی) و مصرف فرهنگی در بین شهروندان گرگانی بالای ۱۸ سال را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه معناداری بین سبک زندگی و مصرف فرهنگی وجود دارد.

محمد عباس زاده، لیلا نصرالهی وسطی و لیلا دانش (۱۳۹۵) در پژوهش خود به آسیب شناسی تغییرات در سبک زندگی دختران روستایی در بین دختران جوان ۱۴ تا ۲۶ سال روستای صوفی آذربایجان غربی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به دلیل افزایش سطح تحصیلات، گسترش رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی، سبک زندگی دختران روستایی از نظر پوشاک، گذراندن اوقات فراغت، آداب گفتار، مدیریت بدن، و شیوه تغذیه، مشابه با سبک زندگی مدرن دختران شهری متحول شده است.

۲-۲- پایان نامه‌ها

حدیث زرآبادزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی در بین زنان ۲۵ تا ۵۰ ساله‌ی متاهل شهر ایلام پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین مولفه‌های سبک زندگی (مدیریت بدن و اوقات فراغت و رفتار مصرف) و سرمایه فرهنگی وجود دارد.

محمد بنکار (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر میزان سواد رسانه‌ای مخاطبان بر انتخاب سبک زندگی دانشجویان دختر و پسر مراکز فرهنگ و هنر دانشگاه علمی کاربردی در شهر تهران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین میزان سواد رسانه‌ای مخاطبان و انتخاب سبک زندگی (گذراندن اوقات فراغت، نحوه پوشش و مدیریت بدن، کالاهای و دارایی‌های منزل و خارج از آن و نحوه چیدمان آن‌ها، نوع و شیوه غذاخوردن، آداب و رسوم و مناسک فردی و اجتماعی و روابط میان افراد) متاثر از برنامه‌های ماهواره رابطه‌ی معنا داری وجود دارد.

کمال جوانمرد (۱۳۹۲) در بررسی جامعه‌شناختی تاثیرات سریال‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی زنان شهر بندرعباس به این نتیجه رسیده است که تماشای سریال‌های ماهواره‌ای بر ابعاد سبک زندگی زنان (استفاده از نمادهای منزلتی، نمادهای فرهنگی غربی، تجمل‌گرایی، مدگرایی و عقاید دینی) تاثیر گذار است.

هاجر رستم (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین اینترنت (میزان دسترسی به اینترنت، استفاده از خدمات اینترنت و همچنین فعالیت در فیسبوک)

و سبک زندگی (مصرف کالاها، فرهنگی، گرایش و رفتارهای بهداشتی، باورها و رفتارهای دینی و گرایش و رفتارهای زیست محیطی) رابطه وجود دارد.

۲-۳- نقد پیشینه ی تحقیق

در نقد و بررسی و جمع بندی تحقیقات انجام شده می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. در همه ی پژوهش های بررسی شده، واحد مطالعه و بررسی، فرد بوده است اما در این پژوهش، واحد تحلیل، خانواده است و جامعه آماری شامل خانواده های (زوجین) شهر اراک است، یعنی زنان و شوهران آنها در خانواده بایستی به صورت همزمان و با توافق نظر به سوالات پرسشنامه در سطح خانواده پاسخ دهند. اگرچه جمع آوری داده ها به این صورت سخت است اما از این نظر، نمونه، نسبت به تحقیقات دیگر که فقط زنان، مردان، جوانان یا دانشجویان (در سطح فردی) به سوالات پاسخ می دهند نمونه ای متفاوت و جامع تر است.
۲. اگرچه در برخی مقالات و پایان نامه ها، سبک زندگی در میان اقشار خاص مورد بررسی قرار گرفته است اما تغییر و تحول سبک زندگی ایرانی-اسلامی در سطح خانواده های ایرانی به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای انتقال ارزش ها به نسل های بعدی به ویژه در یک دوره تاریخی مهم و حساس (از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تاکنون با همه تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی در سطح ملی و بین المللی) به صورت مدون و علمی مورد پژوهش و کنکاش قرار نگرفته است. لذا در این پژوهش سیر تغییر و تحول سبک زندگی ایرانی-اسلامی در خانواده ها در طی چهار دهه و در طول چند نسل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل و تبیین قرار می گیرد که از این منظر نیز، پژوهش حاضر دارای نوآوری می باشد.

۳- ملاحظات نظری

۳-۱- تعریف مفاهیم

۳-۱-۱- خانواده: با توجه به تعاریف ساروخانی (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۴) و بروس کوئن (کوئن، ۱۳۷۴: ۱۷۳)، خانواده عبارت است از گروهی از افراد که براساس ازدواج، همخونی و یا پیوندهای نسبی یا سببی با هم زندگی مشترک دارند.

۳-۱-۲- سبک زندگی ایرانی-اسلامی: سبک زندگی ایرانی-اسلامی، مجموعه ای از فعالیت ها، رفتارها و آداب و عاداتی است که متأثر از باورها و ارزش ها و نگرش های پذیرفته شده ی ایرانی و اسلامی، وجه غالب رفتارهای یک فرد یا گروهی از افراد رادبرمی گیرد.

۳-۲- چاقوب نظری پژوهش

در این پژوهش از نظریه‌های وبر، بوردیو، گیدنز و اینگلهارت استفاده شده و با توجه به وضعیت جامعه ایران، با تحلیل عناصر و عوامل اصلی مطرح شده در نظریه‌های مذکور و ترکیب و تلفیق آن‌ها، چهار عامل استنباطی تحت عناوین پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تکثر منابع جامعه‌پذیری و تحرک جغرافیایی در تدوین نهایی چارچوب نظری پژوهش به کار گرفته شدند.

ماکس وبر از مفهوم سبک زندگی برای نشان دادن سلسله‌مراتب و قشربندی اجتماعی استفاده کرده است. وبر برای بررسی قشربندی اجتماعی از سه مفهوم طبقه، گروه منزلت و حزب بهره‌می‌گیرد. مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره گروه‌های منزلت است. او گروه منزلت را چنین تعریف می‌کند: برخلاف طبقات، گروه‌های منزلت، گروه‌های معمولی هستند. با این حال یکدست نیستند. برخلاف موقعیت طبقاتی که کاملاً تعین اقتصادی دارد، موقعیت منزلتی شامل هر عنصر نوعی زندگی انسان است که همراه با مقدار خاصی افتخار اجتماعی مثبت یا منفی است. (فاضلی، ۱۳۹۸: ۴۸-۴۶). ملوین تامین معتقد است که وبر واژه سبک زندگی را برای اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت (فاضلی، ۱۳۹۸: ۴۹-۵۰).

رویکرد پیر بوردیو در تبیین پدیده‌های اجتماعی مبتنی بر رابطه‌ی دیالکتیک بین ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی است. بوردیو برای تشریح این رویکرد از دو مفهوم مهم هابیتوس (ساختمان ذهنی، عادت واره یا منش) و میدان (زمینه، عرصه یا حوزه) استفاده می‌کند. بوردیو معتقد است که فرد براساس ساختمان ذهنی منحصر به فرد خود که تحت تأثیر محیط اجتماعی او قرار دارد، جهان و محیط اجتماعی را می‌بیند و بر مبنای آن کنش انجام می‌دهد. طرزنشستن، لباس پوشیدن، سبک زندگی، باورها و نگرش‌ها، تقیدات و پایبندی‌ها، تبعیت از فرهنگ جدید یا سنتی، همه بازتاب ساختمان ذهنی اوست. از رابطه بین هابیتوس و میدان، عملکردها از جمله عملکردهای فرهنگی (مثلاً سلیقه یا ذائقه به عنوان یک عملکرد که حاصل گرایش‌های ریشه‌دار و دیرپای مبتنی بر هابیتوس است) سر بر می‌آورند. دگرگونی در ذائقه از کشمکش میان نیروهای مخالف در پهنه‌های فرهنگی (برای مثال هواداران مد قدیم و طرفداران مد جدید) و طبقاتی (برای مثال جناح مسلط در برابر جناح‌های تحت تسلط در داخل طبقه‌ی مسلط) پدید می‌آید (ریتزر، ۱۳۸۳: ۷۲۹).

عمده‌ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل

ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قرایح و مصرف فرهنگی است. ازسوی دیگر، تأکید بوردیو بر الگومند بودن اعمال مصرف که نتیجه الزامات منش است، الهام بخش تکنیک های پژوهش درباره الگوهای سبک زندگی نیز بوده است. مطابق مدلی که وی ارائه می کند، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی (که مشخص کننده میزان بهره مندی وی از انواع سرمایه است) به تولید منش خاص منجر می شود. منش نیز بر شکل گیری ذائقه و ذائقه نیز بر شکل گیری سبک زندگی تاثیر می گذارد. منش مولد دو دسته نظام است:

نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت ها. نتیجه نهایی تعامل دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه ای خاص طبقه بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. سبک زندگی حاصل ترجیحات افراد است که به صورت عمل درآمده و قابل مشاهده هستند (فاضلی، ۱۳۹۸: ۷۲).

دیدگاه آنتونی گیدنز در مورد سبک زندگی و تحولات آن را عمدتاً از بحث مدرنیته ی او می توان استنباط نمود. از دیدگاه او مدرنیته تاثیرات عمیقی بر هویت شخصی و شیوه های زندگی انسان داشته است. گیدنز معتقد است که هویت شخصی و شیوه های زندگی در فرهنگ های سستی، تابعی از جنسیت، تبار، پایگاه اجتماعی و دیگر صفاتی بوده است که فرد در برابر آن ها وضعیتی منفعلانه داشته است (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۱۱)، اما در دوران مدرنیته، فرد مدرن، باید از میان راه ها و گزینه هایی که نظام های انتزاعی فراهم می کنند و پیش رویش می نهند، هویت و شیوه ی زندگی اش را پیدا کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۸). یعنی در شرایط مدرن، هر فرد انتخاب های بیشتری دارد و می تواند شیوه ی زندگی خود را انتخاب نماید.

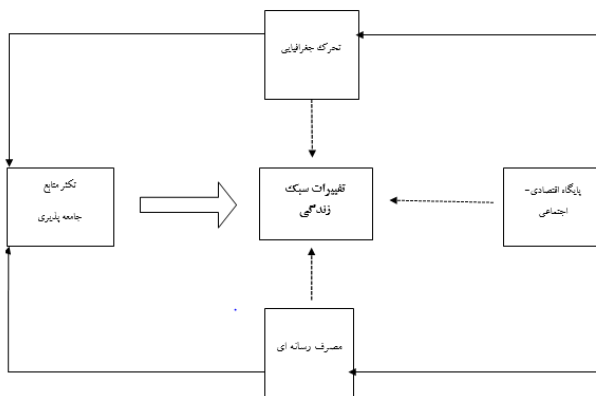
نظام های تخصصی از طریق دانش و اطلاعات تخصصی و فنی و انتخاب های فراوانی که برای افراد فراهم آورده اند، اعتبار باورها و دستورالعمل های سستی را سست نموده اند و در مقابل، دانش بازاندیشانه ای را برای سامان بخشیدن به کنش ها و تنظیم روابط افراد فراهم کرده اند. همچنین نظام های تخصصی و بازاندیشی به واسطه ی رسانه های ارتباطی با افزایش اطلاعات و داده ها موجبات بازاندیشی و بازنگری دائمی افراد را فراهم می کنند.

گیدنز می گوید انبوه عظیمی از مقالات تخصصی و کتاب های راهنما و همچنین برنامه های تلویزیونی و رادیویی به طور مداوم ناقل اطلاعات و پژوهش هایی هستند که درباره ی روابط

خصوصی و شخصی افراد به عمل می‌آید و موضوع بحث خود را به طور بازتابی در معرض بازسازی تغییر و تبدیل ماهوی قرار می‌دهند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۳۵). با جهانی شدن فزاینده‌ی رسانه‌های ارتباط جمعی، وجود و عملکرد محافل و سازمانهای متعدد و تاثیر چسبانه‌ی تلویزیون و روزنامه‌ها، شکل‌ها و نمادهای ویژه‌ای به وجود می‌آورد که شیوه‌های زندگی بی‌سابقه و بنابراین انتخاب‌های تازه‌ای را القا می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۲۴).

از دیدگاه رونالد اینگلهارت اولویت‌های ارزشی فرد تحت تاثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۶۱). اینگلهارت مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را عامل تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیعی از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند. (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۵).

با توجه به تغییرات گسترده‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران در طول نیم قرن اخیر، می‌توان گفت که چهار عامل مذکور در جامعه ایران از سال ۱۳۵۷ تا کنون، تغییر و تحولات گسترده‌ای داشته‌اند. لذا بر اساس چارچوب نظری تحقیق و مفاهیم و متغیرهای مندرج در آن، الگوی نظری تحلیل و تبیین تغییرات سبک زندگی به شرح ذیل ارائه می‌گردد.



نمودار ۱- الگوی نظری تبیین فرآیند تغییرات سبک زندگی

۴-روش تحقیق

روش اصلی در این پژوهش روش پیمایش است. البته به تناسب موضوع در بخش‌هایی از فرآیند تحقیق از روش اسنادی نیز استفاده شده است. از روش اسنادی در مطالعه اکتشافی، مرور پژوهش‌های پیشین و تدوین چارچوب نظری استفاده شده است. در این روش تکنیک‌های فیش برداری، طبقه بندی و تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفته است.

در روش پیمایش که روش اصلی در این پژوهش می‌باشد از تکنیک پرسشنامه استفاده شده و پرسشنامه از طریق مصاحبه حضوری با والدین خانواده تکمیل شده است. نسبت روایی محتوای ۱ (CVR) همه سوالات بالاتر از ۰.۵۱٪ و شاخص روایی محتوای ۲ (CVD) همه سوالات نیز بالاتر از ۰.۷۹٪ بوده و لذا روایی ابزار سنجش مورد تایید می‌باشد. با توجه به بالا بودن ضریب آلفا کرونباخ (بیش از ۰.۷۰٪) برای همه گویه‌ها، پرسشنامه از قابلیت اعتماد بالایی نیز برخوردار می‌باشد.

جامعه آماری مطالعه حاضر شامل کلیه خانواده‌های ساکن شهر اراک در سال ۱۳۹۸ می‌باشد که به دو گروه خانواده‌های دهه ۶۰ (نسل قدیم دوره انقلاب و جنگ) و خانواده‌های دهه ۹۰ (نسل جدید و جوان) تقسیم می‌گردند. شیوه نمونه‌گیری، ترکیبی از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی است. تعداد نمونه آماری براساس فرمول کوکران، تعداد ۳۸۳ خانوار محاسبه شده است که آن را به ۴۴۰ خانواده افزایش داده ایم.

پردازش داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در سطح استنباطی، پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها بر اساس آزمون کولموگروف اسمیرنوف و بررسی چولگی و کشیدگی، از آزمون T و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۴-۱- تعاریف عملی متغیرهای موضوع تحقیق

۴-۱-۱- سبک زندگی ایرانی-اسلامی در این پژوهش در ابعاد اجتماعی، ملی، عبادی، اخلاقی، مالی، خانوادگی و بهداشتیسنجیده شده است. گویه‌ها به صورت طیف لیکرت تنظیم شده و به گزینه‌های هر سوال نمره‌های ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. میانگین مقدار عددی برای

هر خانواده محاسبه شده و در نهایت تفاضل نمره خانواده های دو گروه (خانواده های دهه ی ۶۰ و خانواده های دهه ی ۹۰)، مقدار تغییر سبک زندگی ایرانی- اسلامی را نشان می دهد. تعریف عملیاتی این متغیر در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۲- تعریف عملیاتی ارزش های اجتماعی مورد مطالعه

متغیر	ابعاد	گویه ها
سبک زندگی ایرانی- اسلامی	اجتماعی	۱- پرهیز از تجملات و تشریفات زائد در زندگی
		۲- احترام و محبت به دیگران به ویژه بزرگترها و پدر و مادر
	خانوادگی	۳- توجه به امور عبادی و معنوی در زندگی (از جمله عبادت، دعا، توکل و ...)
		۴- رعایت احکام دینی در اقتصاد خانواده (از جمله خمس، زکات، انفاق، ربا، حلال و حرام و ...)
	عبادی	۵- رعایت حدود محرم و نامحرم در روابط و معاشرت ها
		۶- احترام به نمادها و سنت های ملی از جمله اعیاد ملی، آثار باستانی و ...
	مالی	۷- پرهیز از مصرف مواد مخدر و مواد الکلی و سایر مواد مضر برای بدن
		۸- تهیه غذا در منزل به جای فست فود

۴-۱-۲- خانواده : خانواده ها در این پژوهش به دو گروه ، خانواده های دهه ۶۰ (خانواده های با والدین دارای گروه سنی ۷۵-۶۰ سال) و خانواده های دهه ۹۰ (خانواده های با والدین دارای گروه سنی ۳۴-۱۸ سال) تقسیم شده اند.

۴-۱-۳- پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۱: ترکیبی از اعتبار اجتماعی و موقعیت اقتصادی است و در مجموع، وضع یا اعتبار اجتماعی است که هرکس در ساخت اجتماعی اشغال می کند. برای سنجش این متغیر ، از دو معرف شغل و تحصیلات به صورت ترکیبی از شغل و تحصیلات والدین خانواده استفاده شده و به صورت ترتیبی و در ۵ سطح خیلی پایین، پایین، متوسط، بالا و خیلی بالا اندازه گیری می شود.

۴-۱-۴- مصرف رسانه ای: میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و برنامه‌ها و اطلاعاتی است که این رسانه‌ها در اختیار افراد قرار می‌دهند. برای سنجش این متغیر، میزان ساعاتی را که والدین خانواده در طول هفته به استفاده از این رسانه‌ها می‌پردازند، مورد سنجش قرار می‌گیرند. پاسخ‌ها به صورت طیف لیکرت و در ۵ گزینه از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» تنظیم شده‌اند.

۴-۱-۵- تحرک جغرافیایی: عبارت است از هرگونه جابجایی و نقل و انتقال مکانی افراد بین نواحی، شهرها یا مناطق مختلف داخلی یا بین‌المللی که در دو بُعد مهاجرت و مسافرت (داخلی و خارجی) مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای این منظور میزان مسافرت و مهاجرت (داخلی و خارجی) پاسخگویان در قالب طیف لیکرت و در ۵ گزینه از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» سنجش می‌شود.

۴-۱-۶- تکرر منابع (عوامل) جامعه‌پذیری: منظور از تکرر منابع جامعه‌پذیری، تعدد و تکرر عوامل اجتماعی شدن از جمله نهادهای آموزشی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی، بهداشتی، تفریحی و خانوادگی می‌باشد. برای سنجش این متغیر میزان تأثیر هر یک از عوامل جامعه‌پذیری در تنظیم معیارها و هنجارهای حاکم بر خانواده‌ها در قالب طیف لیکرت و در پنج گزینه از تأثیر «خیلی کم» تا تأثیر «خیلی زیاد» سنجش می‌شوند.

۴-۱-۷- سن: منظور تعداد سال‌هایی است که از لحظه تولد تا زمان تحقیق (مراجعه پرسشگر) از عمر پاسخگو می‌گذرد. پاسخگویان در این پژوهش در دو گروه سنی (۳۴-۱۸ سال) تحت عنوان خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ (نسل جوان) و (۷۵-۶۰ سال) تحت عنوان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ (نسل انقلاب و جنگ) تقسیم‌بندی می‌شوند.

۴-۱-۸- تحصیلات: تحصیلات عبارت است از تعداد سال‌های آموزش رسمی افراد که برای هر فرد در زمان مورد مطالعه اندازه‌گیری شده است. سطوح تحصیلی در این پژوهش در شش سطح شامل بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی، دیپلم (دوره تحصیلی متوسطه تا دیپلم)، فوق‌دیپلم، لیسانس (کارشناسی)، فوق‌لیسانس و دکتری (کارشناسی ارشد و دکتری) سنجیده می‌شود.

۴-۱-۹- شغل: عبارت است از فعالیت روزانه افراد که در ساعت معینی از روز همراه با وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات معینی انجام می‌گیرد. شغل هر فرد در زمان مورد مطالعه به صورت ترتیبی و در ۶ سطح شامل شغل‌های بسیار بالا، بالا، متوسط، پایین، بسیار پایین و بیکار اندازه‌گیری می‌شود.

۵- یافته‌های تحقیق

- ۱-۵- توصیف وضعیت متغیرهای مستقل و وابسته در جامعه مورد مطالعه
- ۱-۱-۵- پایگاه اقتصادی، اجتماعی: بیش از ۹۶ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ دارای پایگاه اقتصادی، اجتماعی متوسط و پایین تر بوده و فقط حدود ۳/۷ درصد آن‌ها پایگاه اقتصادی، اجتماعی بالا و خیلی بالا داشته‌اند در حالی که ۶۴/۵ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ دارای پایگاه اقتصادی، اجتماعی متوسط و پایین تر بوده و حدود ۳۵/۵ درصد آن‌ها پایگاه اقتصادی، اجتماعی بالا و خیلی بالا داشته‌اند.
- ۱-۲- میزان مصرف رسانه: میزان مصرف رسانه‌ی بیش از ۹۶ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ در سطح پایین و خیلی پایین بوده است. ۳/۲ درصد نیز مصرف رسانه‌ی "متوسط" داشته‌اند. مصرف رسانه‌ی در سطح بالا و خیلی بالا در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است در حالی که ۵۶/۳ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ از میزان مصرف رسانه‌ی متوسط و بالاتر برخوردار بوده و حدود ۴۳/۶ درصد آن‌ها نیز مصرف رسانه‌ی پایین و خیلی پایین داشته‌اند.
- ۱-۳- میزان تحرک جغرافیایی: میزان تحرک جغرافیایی ۹۸/۶ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ در سطح پایین و خیلی پایین بوده است. ۱/۴ درصد نیز تحرک جغرافیایی "متوسط" داشته‌اند. تحرک جغرافیایی در سطح بالا و خیلی بالا در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است در حالی که ۷۵ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ از میزان تحرک جغرافیایی پایین و خیلی پایین برخوردار بوده و ۲۵ درصد آن‌ها نیز تحرک جغرافیایی متوسط و بالا داشته‌اند.
- ۱-۴- تکرر منابع جامعه‌پذیری: تکرر منابع جامعه‌پذیری ۹۵/۵ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ در سطح پایین و خیلی پایین بوده است. ۴/۵ درصد آن‌ها نیز از تکرر منابع جامعه‌پذیری در سطح "متوسط" برخوردار بوده‌اند. تکرر منابع جامعه‌پذیری در سطح بالا و خیلی بالا در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است در حالی که ۵۷/۷ درصد خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ از تکرر منابع جامعه‌پذیری متوسط و بالایی برخوردار بوده و ۴۲/۳ درصد آن‌ها نیز تکرر منابع جامعه‌پذیری پایین و خیلی پایینی داشته‌اند.
- ۱-۵- سبک زندگی ایرانی - اسلامی: وضعیت سبک زندگی ایرانی - اسلامی در ۶۴/۱ درصد

خانواده های دهه ی ۶۰ در سطح "بالا" و در ۲۴/۱ درصد آن ها در سطح "متوسط" بوده است . سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۹/۵ درصد از خانواده های دهه ی ۶۰ در سطح خیلی بالا و در میان ۵ درصد از آن ها در سطح پایین ارزیابی شده است. در مجموع وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۹۵ درصد از خانواده های دهه ی ۶۰ در سطح متوسط و بالاتر و در ۵ درصد از آن ها در سطح پایین بوده است.

در حالی که وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۴۸/۲ درصد خانواده های دهه ی ۹۰ در سطح "پایین" و در ۳۹/۱ درصد آن ها در سطح "متوسط" بوده است . سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۹/۵ درصد از خانواده های دهه ی ۹۰ در سطح بالا ، در میان ۲/۷ درصد از آن ها در سطح خیلی بالا و در ۰/۵ درصد خانواده ها در سطح خیلی پایین ارزیابی شده است. در مجموع وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۵۱/۳ درصد از خانواده های دهه ی ۹۰ در سطح متوسط و بالاتر و در ۴۸/۷ درصد از آن ها در سطح پایین و خیلی پایین بوده است .

۵-۲- یافته های استنباطی

۵-۲-۱- آزمون t متغیرهای مستقل

جدول ۳- مقایسه متغیرهای مستقل در میان خانواده های دهه ۶۰ و ۹۰

نام متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف		آماره t	درجه	مقدار
				معیار	خطای معیار			
پایگاه	خانواده های دهه ۶۰	۲۲۰	۷/۳۶۴	۲/۶۳۵	-/۱۷۸			
اقتصادی - اجتماعی	خانواده های دهه ۹۰	۲۲۰	۱۱/۰۴۵	۳/۹	-/۲۶۳	-۱۱/۶-۲	۲۸۴/۴۶۹	-/۰-۰-۰
میزان مصرف	خانواده های دهه ۶۰	۲۲۰	۱۳/۶۶۴	۴/۴۶۱	-/۳۰۱		۲۲۶/۸۷۱	-/۰-۰-۰
رسانه	خانواده های دهه ۹۰	۲۲۰	۲۶/۲۳۶	۸/۶۹۴	-/۵۸۶			
میزان تحرک	خانواده های دهه ۶۰	۲۲۰	۵/۰۹۵	۱/۲۸	-/۰۸۶		۲۳۰/۴۳۵	-/۰-۰-۰
جغرافیایی	خانواده های دهه ۹۰	۲۲۰	۸/۰۲۳	۲/۴۴۸	-/۱۶۵			
تکثر عوامل	خانواده های دهه ۶۰	۲۲۰	۱۸/۳۵۹	۵/۴۷۷	-/۲۶۹		۲۵۵/۴۹۷	-/۰-۰-۰
جامعه پذیری	خانواده های دهه ۹۰	۲۲۰	۲۴/۰۹۱	۹/۲۶۲	-/۶۲۴			

با توجه به مندرجات جدول ۴، برای همه ی متغیرهای مستقل مقدار معناداری آزمون t گروه های مستقل کوچکتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) به دست آمده است. بنابراین میانگین این متغیرها در بین خانواده های دهه ۶۰ و دهه ۹۰ اختلاف معناداری دارد. میانگین امتیازات همه ی متغیرهای

مذکور در خانواده‌های دهه ۹۰ به‌طور معناداری بیشتر از میانگین این متغیر در خانواده‌های دهه ۶۰ است.

۵-۲-۲- آزمون t متغیر وابسته ی سبک زندگی ایرانی - اسلامی

جدول - مقایسه متغیر سبک زندگی در

میان خانواده‌های دهه ۶۰ و ۹۰

نام متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	آماره t	درجه آزادی	مقدار معناداری
سبک زندگی	خانواده‌های دهه ۶۰	۲۲۰	۲۶/۶۴۱	۳/۸۹۵	-/۲۶۲	۱۴/۹۴۵	۴۰۹/۹۴۹	-/۰۰۰
	خانواده‌های دهه ۹۰	۲۲۰	۲۰/۱۸۲	۵/۰۹۱	-/۳۴۳			

با توجه به مندرجات جدول ۵، برای متغیر سبک زندگی ایرانی - اسلامی مقدار معناداری آزمون t گروه‌های مستقل کوچکتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) به‌دست آمده است. بنابراین میانگین این متغیر در بین خانواده‌های دهه ۶۰ و دهه ۹۰ اختلاف معناداری دارد. میانگین امتیازات سبک زندگی ایرانی - اسلامی در خانواده‌های دهه ۹۰ برابر ۲۰/۱۸۲ و به‌طور معناداری کمتر از میانگین این متغیر در خانواده‌های دهه ۶۰ (۲۶/۶۴۱) است. به عبارت دیگر اهمیت و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بین خانواده‌های دهه ی ۹۰ نسبت به خانواده‌های دهه ی ۶۰ کاهش یافته است.

۵-۲-۳- آزمون همبستگی پیرسون

برای بررسی ارتباط میان متغیرهای پژوهش از همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی - کل خانواده‌ها

نام متغیر	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	میزان مصرف رسانه	میزان تحرک جغرافیایی	تکثر منابع جامعه پذیری
سبک زندگی ایرانی - اسلامی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۶۴۹	-۰/۷۳۶	-۰/۶۷
	مقدار معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	تعداد	۴۴۰	۴۴۰	۴۴۰

مطابق مندرجات جدول ۸، ضریب همبستگی میان متغیر سبک زندگی ایرانی، اسلامی با

متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی - اجتماعی (۰/۶۴۹-)، میزان مصرف رسانه (۰/۷۳۶-)، میزان تحرک جغرافیایی (۰/۷۰۷-) و تکرر عوامل جامعه‌پذیری (۰/۶۷۰-) منفی و معنادار است، چون مقدار معناداری متناظر با این ضرایب کوچکتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. با توجه به مقادیر ضرایب همبستگی، شدت رابطه متغیر سبک زندگی ایرانی، اسلامی با متغیرهای مستقل، قوی و جهت آن، معکوس ارزیابی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با افزایش پایگاه اقتصادی، اجتماعی، میزان مصرف رسانه، میزان تحرک جغرافیایی و تکرر عوامل جامعه‌پذیری خانواده، میزان اهمیت سبک زندگی ایرانی، اسلامی در خانواده، کاهش می‌یابد.

۳-۵- بررسی سوالات پژوهش

۳-۵-۱- سوال اول: وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ (دوره‌ی انقلاب و جنگ) و خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ (نسل جوان) شهر اراک چگونه است؟ وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۹۵ درصد از خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ در سطح متوسط و بالاتر و در ۵ درصد از آن‌ها در سطح پایین بوده است. در حالی که وضعیت سبک زندگی ایرانی-اسلامی در ۵۱/۳ درصد از خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ در سطح متوسط و بالاتر و در ۴۸/۷ درصد از آن‌ها در سطح پایین و خیلی پایین بوده است.

۳-۵-۲- سوال دوم: آیا سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده‌های اراک در خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ نسبت به خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ تغییر کرده است؟ با توجه به مندرجات جدول ۵، برای متغیر سبک زندگی ایرانی - اسلامی مقدار معناداری آزمون t گروه‌های مستقل کوچکتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) به دست آمده است. بنابراین میانگین این متغیر در بین خانواده‌های دهه ۶۰ و دهه ۹۰ اختلاف معناداری دارد. میانگین امتیازات سبک زندگی ایرانی - اسلامی در خانواده‌های دهه ۹۰ برابر ۲۰/۱۸۲ و به طور معناداری کمتر از میانگین این متغیر در خانواده‌های دهه ۶۰ (۲۶/۶۴۱) است. بنابراین اهمیت و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بین خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ نسبت به خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ تغییر کرده و کاهش یافته است.

۳-۵-۳- سوال سوم: عوامل موثر بردرگرونی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده‌های ایرانی از سال ۱۳۷۵ تاکنون کدامند؟

مطابق مندرجات جدول ۸، ضریب همبستگی میان متغیر سبک زندگی ایرانی، اسلامی با متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی - اجتماعی (۰/۶۴۹-)، میزان مصرف رسانه (۰/۷۳۶-)، میزان

تحرك جغرافیایی (۰/۷۰۷-) و تكثر عوامل جامعه‌پذیری (۰/۶۷۰-) منفي و معنادار است، چون مقدار معناداری متناظر با این ضرایب كوچكتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. با توجه به مقادیر ضرایب همبستگی، شدت رابطه متغیر سبک زندگی ایرانی، اسلامی با متغیرهای مستقل، قوی و جهت آن، معكوس ارزیابی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت این عوامل بر دگرگونی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده‌های ایرانی موثر بوده‌اند. به طوری که با افزایش پایگاه اقتصادی، اجتماعی، میزان مصرف رسانه، میزان تحرك جغرافیایی و تكثر عوامل جامعه‌پذیری خانواده، میزان اهمیت سبک زندگی ایرانی، اسلامی در خانواده، کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

دستاوردها و نتایج مطالعه‌ی پیمایشی در سطح توصیفی نشان داد که میزان اهمیت سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و خانواده‌های دهه‌ی ۹۰ متفاوت می‌باشد. نتایج آزمون t نیز تفاوت معنادار میانگین امتیازات متغیرهای تحقیق را در میان خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰ نشان می‌دهد.

بنابراین وضعیت سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده‌های دهه‌های ۶۰ و ۹۰ در جامعه‌ی مورد مطالعه دچار تغییرات قابل توجهی شده است، اما نکته‌ی مهم و اساسی که باید به آن پرداخته شود این است که آیا این تغییرات در سطح تفاوت ارزشی است یا در بین خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰ شکاف ارزشی روی داده است؟ برای بررسی موضوع و پاسخ به این سوال و تحلیل میزان و سطح تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده‌ها، تفاوت میانگین این متغیر را در میان خانواده‌های دهه‌های ۶۰ و ۹۰ بررسی می‌کنیم، به این صورت که ابتدا تفاضل میانگین را محاسبه کرده و سپس آن را به درصد تبدیل می‌کنیم. تفاوت ۵۰ درصد را به عنوان مبنای شکاف ارزشی در نظر می‌گیریم، یعنی اگر تفاوت میانگین خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰ به ۵۰ درصد و بیشتر برسد، شکاف یا گسست ارزشی در بین آن‌ها اتفاق افتاده است (چون که تفاوت بیش از ۵۰ درصد در ارزش‌های دو گروه، امکان تعامل و روابط مطلوب بین دو گروه یا دو نسل را از بین برده و یا به حداقل می‌رساند و حتی به سوی تعارض می‌برد). تفاوت کمتر از ۵ درصد را به عنوان وفاق ارزشی در نظر می‌گیریم که نشان‌دهنده‌ی توافق نظر خانواده‌های دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۹۰ در مورد سبک زندگی ایرانی

اسلامی است. تفاوت ۵ تا ۴۹ درصد را نیز به عنوان تفاوت ارزشی در سه سطح به صورت زیر تقسیم بندی می کنیم:

- ۱- تفاوت ارزشی ضعیف (۵ - ۱۹ درصد) ۲- تفاوت ارزشی متوسط (۲۰ - ۳۴ درصد)
تفاوت ارزشی شدید (۳۵ - ۴۹ درصد)

با توجه به توضیحات فوق و محاسبات به عمل آمده، نتایج بررسی تفاوت میانگین و سطح تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده های دهه های ۶۰ و ۹۰ به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول ۶- سطوح تغییرات سبک زندگی ایرانی اسلامی در بین خانواده های دهه های ۶۰ و ۹۰

ردیف	نام متغیر (ارزش)	میانگین امتیازات خانواده های دهه ی ۶۰	میانگین امتیازات خانواده های دهه ی ۹۰	تفاوت میانگین	درصد تفاوت	سطح تغییر ارزش
۱	سبک زندگی ایرانی - اسلامی	۲۶/۶۴۱	۲۰/۱۸۲	۶/۴۵۹	۲۴/۲۴۴	تفاوت ارزشی (متوسط)

بنابراین با توجه به این یافته ها می توان گفت پژوهش حاضر از میان رویکردهای مختلف الگوهای روابط بین نسلی (وفاق ارزشی، تفاوت ارزشی و شکاف یا گسست ارزشی)، با رویکرد تفاوت ارزشی همسویی دارد و لذا می توان مدعی شد که در خانواده های شهر اراک در مورد سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده های دهه های ۶۰ و ۹۰، شکاف ارزشی اتفاق نیفتاده است. به عبارت دیگر خانواده به عنوان یک نهاد مهم و تاثیرگذار در ساختار و روابط اجتماعی در جامعه ی ایران، در مقابل عوامل مختلف تغییر، مقاومت کرده و هنوز به مرحله ی شکاف ارزشی نرسیده و همچنان تمایل خود را به انتقال ارزش ها و جامعه پذیری فرزندان تا حدود زیادی حفظ کرده است.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نیز رابطه ی عوامل پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مصرف رسانه ای، تکرر منابع جامعه پذیری و تحرک جغرافیایی و میزان گرایش به سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده های دهه های ۶۰ و ۹۰ را نشان می دهد به طوری که با افزایش پایگاه اقتصادی، اجتماعی، میزان مصرف رسانه، میزان تحرک جغرافیایی و تکرر عوامل جامعه پذیری خانواده، میزان اهمیت سبک زندگی ایرانی، اسلامی در خانواده، کاهش می یابد.

با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد که بسترسازی برای پویش تولید محتوای هدفمند، علمی و جذاب، ارتقای سواد رسانه‌ای خانواده‌ها (به ویژه والدین)، الگوسازی کنشگرانه و مبتکرانه (و نه مداخله‌گرانه) توسط سیاستگذاران و نهادهای حاکمیتی و فراهم کردن زمینه و بستر گفتگوهای چالشی در بین خانواده‌ها و نخبگان، می‌تواند در راستای جامعه‌پذیری در زمینه‌ی سبک زندگی ایرانی اسلامی در میان خانواده‌ها موثر واقع شود.

کتابنامه:

- اینگله‌هارت، رونالد (۱۳۹۵). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر، چاپ سوم.
- بنکار، محمد (۱۳۹۳). بررسی تاثیر میزان سواد رسانه‌ای مخاطبان بر انتخاب سبک زندگی متأثر از برنامه های شبکه های ماهواره ای (شبکه من و تو)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
- جوانمرد، کمال (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی تاثیرات سریال‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی زنان شهر بندرعباس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات هرمزگان.
- حیدری، خدیجه؛ حیدری، محمدتقی و قدیمی، مهدی (۱۳۹۸). «تأثیر قدرت نرم شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای بر الگوبرداری اجتماعی و تغییر سبک زندگی در بین زنان (مطالعه موردی: زنان شاغل آموزش و پرورش شهر زنجان)»، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده، هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۴۹-۱۷۰.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰). جامعه شناسی تحولات ارزشی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
- رستمی، هاجر (۱۳۹۲). بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمان.
- رضاییان، عالیه و ادیسی، افسانه (۱۳۹۷). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی نسل چهارم»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال سیزدهم، بهار و تابستان، شماره ۳۴، صص ۳۶-۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- زرآبادزاده، حدیث (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی (مطالعه موردی زنان شهر ایلام)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- شیری، حامد (۱۳۹۷). «جهانی شدن فرهنگی و دگرگونی هویت نسلی: بررسی سبک زندگی نسل

والدین و فرزندان در سندج»، فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، دوره‌ی ششم،

شماره ۴، بهار، صص ۸۷-۱۱۱.

عباس زاده، محمد و دانش، لیلا (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی تغییرات در سبک زندگی دختران روستایی

مورد مطالعه: روستای صوفی آذربایجان غربی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸،

شماره ۴، بهار و تابستان، صص ۲۳-۴۹

عباسی، عاطفه و جعفری، علی (۱۳۹۹). «تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی

کاربران ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۱، بهار، صص

۳۳-۵۴

فاضلی، محمد (۱۳۹۸)، مصرف و سبک زندگی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

فرقانی، محمدمهدی و مهاجری، ربابه (۱۳۹۷). «رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم،

شماره ۱۳، بهار، صص ۲۶۰-۲۹۲.

کوزر، لوئیس (۱۳۷۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران:

انتشارات علمی، چاپ ششم.

کوئن، بروس (۱۳۷۴). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل،

تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر

موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.

مولوی زاده، اکرم؛ شکرپیگی، عالیه و خوشنفر، غلامرضا (۱۳۹۶). «سبک زندگی (ایرانی اسلامی) و

مصرف فرهنگی (مورد مطالعه: شهروندان گرگانی)»، دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت

اسلامی ایرانی، بهار و تابستان، شماره ۹، صص ۱۰۶-۱۲۹.